

(در این نام فدا)
لوسفندان

چوپان: چوپان هر روز شیر گوسفندان را می دوشید. ✓

سیل: باران شدید بارید و سیل بزرگ به راه افتاد. ✓

درست کار: چوپانی داشت که درست کار بود. ✓

باران: صدای باران قشنگ است.

شروع: باران شدیدی شروع به باریدن کرد. ✓

مزدت: چوپان نصیحتش می کرد و می گفت: تو مزدت را بگیر. ✓

قطره: قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود. ✓

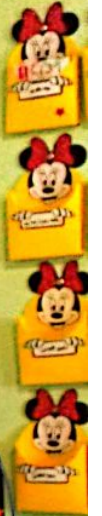
نصیحت: نصیحت کسی را پذیر کردن. ✓

وانگهی = ناگهان ✓ مزد = پاداش ✓

دریا ≠ فشگی ✓ راست ≠ دروغ ✓

سر خیلی خوب
ست

Nothing on the table



- 1. SILENT
- 2. WRITING
- 3. TABLE TALK
- 4. WHISPER
- 5. BELLY

دخترم کلمات زیر را برعکس کن و با آن یک جمله بنویس.
مثل زبش برعکسش : شمیر







